

شهامت ملی



استاد ادیب برومند
شاعر ملی ایران

این قصیده در چهاردهم مهرماه ۱۳۳۰ هنگامیکه رئیس دولت ملی به ریاست هیئتی برای پاسخگویی نسبت به طرح شکایت انگلستان در شورای امنیت به نیویورک عزیمت کرد، سروده شد و علاوه بر انتشار در برخی از روزنامه‌ها، در رادیوی تهران بوسیله خود گوینده قرائت گردید. همچنین بوسیله اوراق چاپ شده برای محافل سیاسی و مجامع عمومی و چند نسخه نیز برای سفارت ایران در واشنگتن فرستاده شد ناگفته نماند که هر چند مبارزه ملت ایران با سیاست استعماری انگلیس جنگ نظامی نبود ولی چون تهدیدهای آن دولت احتمال برخورد نظامی را نیز می داد آماده کردن ملت برای هرگونه مقابله لازم می نمود و جنبه حماسی درین قصیده ازین نظر است.

تن نسیپارد بخاکساری و خذلان	هر که به پیکار خصم بگذرد از جان
مزم گران بایش چو شیر نیستان	مر که طلب کرد جنگ پیلستان را
پشت نخواهد نمود، بر صف مردان	مرد چو روی آورد بعرصه‌ی ناورد ^۱
از سر دشمن ربود گوی ز میدان	هر که به هیججا ^۲ فشرده پای شهامت
هست چو کوهی به راه سیل خروشان	مرد گرانسنگ در جدال خطر خیز
خصم چه جوید به جنگ زبده شجعان ^۳	سیل چو پوید به راه کوه فلک فر
توپ در آید به بانگ و تانک بجولان	خوش بود آنگه که در مصاف دولشگر
تیر بیارد چو ابر بارقه افشان	توپ بغرد چو رعد صاعقه افکن
بر صف دشمن زند مجاهد غضبان ^۴	تکیه بنیر و کند مبارز سر سخت

پاس وطن را بهر زمان ز دل و جان	مردم ایرانزمین فریفتگانند
حمله ورائند همچو رستم دستان	در پی حفظ وطن به پهنه‌ی پیکار
می نستیزند با ضعیف تن آسان ^۵	می نهراسند از حریف قویدل
عرصه پیکار راست شاخص دوران	ملت ایران به زیر سایه شمشیر
رو به وی آرد، پس از ستایش یزدان	قبله‌ی آمال خویش کرده وطن را
بوده ز جان آشنا به شورش و عصیان	در همه ادوار بهر طرد اجانب
پیل دمان بوده در مهالک عدوان	شیر زیان بوده در برابر دشمن
شیب و فراز طریق، دیده فراوان	پست و بلند حیات، دیده بتکرار
غلفله‌ها دیده زیر گنبد گردان	معرکه‌ها دیده روی پهنه‌ی گیتی
بوده بسی پشتاز لشکر حدثان ^۶	رفته بسی پیشباز جیش مصائب
گاه بتن بر دریده جامه حرمان	گاه بسر بر نهاده افسر امید
گه شده فرمانروای کشور "یونان"	گه شده محکوم انتقام "سکندر"
گه شده کشورگشا به مصر و به سودان	گه شده مغلوب ترکتازی تازی
گه شده مالک رقاب "ملک قراخان" ^۷	گه شده بیخانمان حمله‌ی "چنگیز"

گاه ز جا کننده کاخ سلطه اغیار
 دیده بسی انقلاب و کشمکش دهر
 لیک پس از قرن‌ها کشاکش هستی
 هم شده فائق بدفع "حمله‌ی تیمور"
 هم شده آمر به مُلک "راجه" و "چیپال"^۸
 معونگر دیده در تحول ادوار
 هم به مغل زد لهیب، "خسرو خوارزم"^۹
 ملت ایران ز یمن جنبش پویا
 در ره پاس مهین شعائر ملی
 حلقه بگوش شهنشان بزرگش
 زیر بی پیلشان شهان دگر مات
 تارک ایام را مفاخر این مُلک
 بس هنری مرد سایه گستر
 شاعر پر شور و قهرمان سلحشور
 خفته درین معدنند همچو زر ناب

گاه بنا کرده قصر شوکت و عمران
 دیده بسی انتقال و گردش کیهان
 مانده چنین پایدار و صاحب عنوان
 هم شده نائل برفع "قتنه افغان"
 هم شده فاتح برزم "قیصر" و "خاقان"
 پست نگر دیده در برابر اقران
 هم به عرب زد نهیب، "شیر خراسان"^{۱۰}
 بهره ور آمد ز فر و دولت و رجحان
 بر بدن آراست، خود و جوشن و خفتان
 بود بهر جا امیر و حاکم و سلطان
 شاهد من داستان "خسرو و نعمان"
 هست درخشان به سان لعل بدخشان
 نامی یافته نشو و نما. بدامن ایران
 عالم نحریر^{۱۱} و فیلسوف سخندان
 سفته درین مخزنند چون دُر و مرجان

در خور "شورای امنیت" نبود نیز
 نیست روا کاندترین سیاست ملی
 "شرکت جبار نفت" مدعی ماست
 گر نشود هم نوای مظلومه شورا
 ورنه گر آید برون ز کسوت انصاف

کو شنود از حریف باوه و هذیان
 شورا گردد دخیل و مصدر فرمان
 بهر چه کرد انگلیس شکوه به دیوان؟
 نیک مصون ماند از ملامت و بهتان
 افتدش از عار و ننگ، لکه به دامان

رهبر ما چون رود به جانب "شورا"
 آنچه بود گفتنی بگوید و خواهد
 هست امید آنکه حق ملت ما را
 تا به بهار ای "ادیب" دلکش و خرم

فاش کند رمز کار کهنه حریفان
 داوری و یاری از جهان و جهانبان
 باز ستاند به لطف ایزد منان
 سبزه به صحرا دمد شکوفه به بستان

کشور ایران عزیز باد و برومند

دشمن ایران ذلیل باد و هراسان

یادداشت مربوط به شعر

(شهامت ملی)

شکایت انگلستان از ایران به شورای امنیت پس از شکایت وی بدیوان دادگستری لاهه و صدور قرار موقت از طرف آن دیوان بود. درین شکایت دولت انگلیس از شورای امنیت تقاضا کرده بود که چون دولت ایران دستور صادر کرده است که باقیمانده کارشناسان از ایران اخراج شوند و این اقدام مبین باقرار موقت صادر از دادگاه لاهه می باشد شورای امنیت بدیوان نگرانی از خطرات ناشی ازین وضع که صلح و امنیت جهانی را تهدید می کند از دولت ایران درخواست کرد که از تمام جهات برطبق قرار موقت دادگاه لاهه

رفتار کند. ولی دولت ایران چون دخالت انگلیس و شکایت وی را در مسئله اختلاف بین ایران و شرکت سابق که یک امر داخلی است غیر قانونی شمرده بود در دهم مهرماه ۱۳۳۰ به خدمت کارشناسان انگلیس در جنوب خاتمه داد و آنانرا به کشور متبوع خود باز گردانید.

دکتر مصدق در نخستین جلسه شورای امنیت که در شب ۲۳ مهر تشکیل گردید شرکت جست و چنین گفت: "من درین شورا حاضر شدم تا صدای مردم ایران را در مقابل ادعاهای بی اساس دولت انگلستان بگوش شما و مردم جهان برسانم. این موسسه وقتی می تواند مرجع عالی ترین مقام و حافظ صلح دنیا باشد که دول بزرگ بمقررات آن احترام بگذارند و کشورهای کوچک و بزرگ آن را پناهگاه خود بدانند اگر دولتی مسئله ای را که در صلاحیت شورای امنیت نمی باشد درین شورا مطرح کند درین صورت اگر شورا بدلائل و جهات سیاسی تصمیم بگیرد که به آن مسئله رسیدگی کند درین صورت شورای امنیت وسیله برای مداخله ی یک کشور در امور داخلی کشور دیگر خواهد شد و باین ترتیب اعتماد مردم از آن سلب می شود و شورای امنیت از انجام وظایفش که صلح جهان می باشد باز خواهد ماند. من ازین مجمع عالی انتظار دارم برخلاف مصالح ایران اقدامی بعمل نیاورد. تنها ثروت ملی ما نفت است که منبعی برای کار و غذای ایران بشمار می رود و برای اینکه شمه ای از منافع انگلیس را از این منبع عظیم برای شما مجسم کنم کافی ست که بگویم در سال ۱۹۴۸ بر طبق دفاتر شرکت سابق نفت در آمد خالص شرکت در حدود ۶۱ میلیون لیره بود و فقط نه میلیون لیره آن به ایران داده شد و ۲۸ لیره بابت مالیات بخزانه انگلستان تحویل گردیده. اگر بنا باشد که کارگران ایرانی در اراضی نفت خیز در بدترین شرایط زندگی کنند و استثمارچیان خارجی همچنان کلیه درآمد نفت ما را تصاحب کنند مردم ایران تا ابد در فقر و بدبختی خواهند ماند و بهمین جهت ایران نفت خود را ملی کرد.

ملت ایران با جنبش عظیمی مصمم است که ازین منبع حیاتی برای بالا بردن سطح زندگی خود و حفظ صلح جهان استفاده کند. اگر منظور انگلستان این است که ملی شدن نفت، صلح جهانرا بنخطر انداخته معلوم نیست چرا دولت انگلیس که این همه صنایع را در کشور خود ملی کرده بعنوان آنکه اساس و پایه صلح را متزلزل نموده است به شورای امنیت دعوت نشده است.

هر نوع خطری که متوجه صلح باشد از اقدامات انگلیس که سعی کرده با توسل بزور گویی علنی ما را از حق حاکمیت بر منافع ملی خود بازدارد ناشی خواهد شد. من بار دیگر می خواهم موكداً تکرار کنم که دولت من حاضر است به محض آنکه دولت انگلستان تمایل حقیقی به حل قضیه نفت نشان دهد مذاکرات مستقیم را در مواردی که قبلاً ذکر شد شروع کند. ما انتظار داریم که شورای امنیت از پیشنهاد توصیه هایی که موجب تاخیر اجرای وظایف مان می شود خودداری کند و به ما اجازه دهد که فارغ البال مشغول عمل شویم و بفقر و فلاکت خود خاتمه دهیم."

دکتر مصدق در آخرین جلسه گفت: "آنچه باید قبلاً به کلیه اعضای شورای امنیت اطمینان بدهم اینست که دیگر شرکت سابق نفت روی ایران را نخواهد دید. ضمناً تلگرافهایی را قرائت کرد که ثابت می کرد تمدیدی که

به امتیاز دادرسی داده شده از طرف وزیرانی صورت گرفته بود که آزادی عمل نداشته اند همچنین اسنادی ارائه داد که شرکت سابق در امور داخلی ایران مداخله می کرده است.

بالاخره شورای امنیت در آخرین جلسه خود که در ۲۶ مهر بدون حضور هیئت نمایندگی ایران تشکیل شد رسیدگی به قطعنامه انگلستان تا اعلام رای دادگاه بین المللی لاهه مسکوت گذاشت.

xxx

ناگفته نباید گذاشت که در آمریکا دکتر مصدق با مستر ترومن رئیس جمهور آمریکا و دیگر سران آن کشور ملاقات کرد و وزیر خارجه آن کشور در موضوع نفت و تجدید مذاکره با انگلستان راه حل هایی پیشنهاد نمود که هیچکدام از طرف هیات نمایندگی ایران قابل پذیرش به نظر نرسید و معلوم شد آمریکا با همه تظاهراتی که برای حل مسئله نفت می نماید بخاطر رعایت دوستی انگلستان که متفق جنگی اوست از ایران پشتیبانی نخواهد کرد.

xxx

هنگامی که دکتر سید علی شایگان که همراه نخست وزیر به آمریکا رفته بود به تهران بازگشت به دیدار او رفتم گفت نسخه قصیده شما را که از سفارت ایران در آمریکا برای دکتر مصدق فرستاده بودند نزد ایشان دیدم بمن دادند و گفتند بخوانید و ببینید احساسات ملی همه جا با ما همراهی می کند.

معانی واژه ها:

- ۱- ناورد = میدان جنگ
- ۲- هیجا = میدان جنگ
- ۳- شجاعان = جمع شجاع. شجاعان
- ۴- غضبان = غضبها
- ۵- تن آسا = راحت طلب. آسوده
- ۶- حدثان = حوادث، رویدادها
- ۷- قراخان = جد مغولان و پادشاه آنان (لغت نامه دهخدا به نقل از تاریخ گزیده)
- ۸- راجه و چپال = لقب فرمانروایان هند
- ۹- خسرو خوارزم = مقصود سلطان جلال الدین خوارزمشاه است
- ۱۰- شیر خراسان = مقصود ابو مسلم خراسانی ست
- ۱۱- نحریر = دانشمند بارع